

نقدی بر مواضع اپورتونیستی سازمان انقلابی

بخش هفتم

درنگی بر نقد نویسی سازمان انقلابی!

از چندسال به این طرف موسوی رهبر ساما- ادامه دهندگان این روباه مکار و حيله گر هزار چهره با نامهای جعلی احمد برومند، محک باستانی، خالقدادپغمانی، آزادل و جاوید وبر ضد جنبش انقلابی و ما ئو ئیستی افغانستان تخریب کاری، جاسوسی، لمپنی و فحاشی میکند. درین اواخر به همکاری کبیر توخی مداح سازمان انقلابی و میرویس نادان محمودی عضو باند ساما- ادامه دهندگان مثلث خائنانه جاسوسی، لمپنی و فحاشی را به میانجیگری سازمان انقلابی و ساما - ادامه دهندگان تشکیل داده اند که جزء جاسوسی، لمپنی و فحاشی دیگر کاری ندارند. و هر روز از طریق سایت دوسره جاسوسی، لمپنی و فحاشی " افغانستان آزاد - آزاد افغانستان " با نام های حقیقی و جعلی حامد بهارستانی، س. رها، عزیز نعیمی و کلبی و مقصود به جاسوسی، لمپنی و دودشنام می پردازند. رفیق مائو تسه دون میگوید: " سخن پردازی های بی پایان وبی معنی را شاید میتوان نشانه بچگی شمرد، ولی افاده کردن به منظور ارعاب مردم تنها بچگی نیست بلکه فرومایگی آشکار است. لوسیون این گونه افراد را به باد انتقاد گرفته میگوید: " فحاشی و تهدید را به هیچوجه نمیتوان مبارزه نامید. آنچه علم نام دارد، هرگز از انتقاد نمی هراسد، زیرا که علم حقیقت است و از رد و انکار هیچ باکی ندارد. آنانکه مقالات و سخنرانیهای سو بژکتیویستی و سکتاریستی به شکل الگوسازی حزبی می نویسند، از رد و انکار ترس و وحشت دارند و مردمان بسیار جیون و بز دلی هستند و از این روست که به افاده کردن به منظور ارعاب مردم متشبث میشوند. به تصور اینکه از این راه میتوانند دهان دیگران را ببندند و " پیروزمندان به قصر باز گردند". اینگونه چیزهای پر افاده قادر به انعکاس حقیقت نیستند، بلکه فقط مانع آن میگردند. کسانی که صاحب حقیقت اند نیازی به افاده کردن برای ارعاب مردم ندارند و فقط صادقانه و صمیمانه میگویند و عمل میکنند". صفحه ۸۰ آثار منتخب جلد سوم.

سازمان انقلابی و ساما - ادامه دهندگان در این مدت تا حد امکان آنها را در جاسوسی، فحاشی و لچکی کمک نمود و مورد تشویق و نوازش قرار داده اند. سازمان انقلابی حتی در کنگره دوم جعلی خویش از فعالیت های جاسوسی، لمپنی و فحاشی موسوی و کبیر توخی قدر دانی نموده و خیانت و جاسوسی آنها را تحت عنوان کارهای انقلابی درج اسناد کنگره خویش نموده است. این عمل خائنانه سازمان انقلابی مورد نقد جنبش ما ئو ئیستی افغانستان قرار گرفت. و در یکی از نوشته تذکر داده شده است که " جای شگفتی این است که سازمان انقلابی افغانستان در مورد گذشته تسلیم طلبی ساما " خاموشی اختیار نموده و هیچ حرفی

ندارد اما با نشر اعلامیه "ساما-ادامه دهندگان" به قیل و قال در آمده به تعریف و توصیف آن میان می بندد و با آن اعلامیه های مشترک بیرون میدهد. اعلامیه یک جانبه یا چند جانبه بیرون دادن بدون انتقاد و انتقاد از خود هیچ دردی را درمان نمیکند، بلکه صداقت و انتقاد و انتقاد از خود است که کمونیست هارا به دوستان واقعی مردم تبدیل مینماید. جای تعجب است که سازمان انقلابی در مورد اعلام مواضع و تسلیم طلبی ساما-ادامه دهندگان خاموشی اختیار مینماید اما در برخورد با حزب کمونیست مائوئیست و مائوئیست های افغانستان عینک ذره بین دار به کار برده آنها را به باد انتقاد میگیرد. اما ای کاش سازمان انقلابی هم این صداقت را داشته باشد که گذشته اکونومیستی و ریزیو نیستی خویش و گذشته تسلیم طلبی و اعلام مواضع سامارا نیز نقد نماید "سازمان انقلابی به دفاع بی جهت از خویش برخاست و قسمت های از گزارش سازمان انقلابی افغانستان را در مورد "ساما" که در شماره اول به پیش آمده و در کنگره اول سازمان انقلابی افغانستان حمل ۱۳۸۷ به تصویب رسیده است در بخش ششم نوشته "دن کیشوت های مائوئیست ... مجدداً به نشر سپرد و این طور وانمود ساخت که گویا جنبش مائوئیستی افغانستان دروغ میگوید و ما قبلاً "ساما" را نقد کرده ایم. مادر این نوشته روی نقد سازمان انقلابی (بخوان گزارش) که در مورد "ساما" نگارش یافته است مکتب میکنیم و هر پاراگراف آنرا جداگانه مورد تحلیل و ارزیابی قرار میدهیم تا ببینیم که درک سازمان انقلابی از نقد چیست و آیا نقد آن با موازین علمی و مارکسیستی همخوانی دارد و یا نقد آن صرف گزارش دهی میکانیکی از عملکرد "ساما" است. سازمان انقلابی مینویسد: "ساما در درگیری با روس ها و جهادی ها انقلابیون بسیاری را از دست داد که مثل سازمان رهائی هرگز جمع بندی از آن ارائه نکرد." این پاراگراف بیشتر به یک خبر میماند تا به یک نقد مارکسیستی. سازمان انقلابی صرف از ارائه نکردن جمع بندی "ساما" شکوه میکند نه اینکه مشی اپورتونیستی و تسلیم طلبی آنرا مورد نقد قرار دهد. به ادامه می نویسد: "جنگ های که ساما با حزب اسلامی در شمالی و در هرات با جمعیت اسلامی داشت به زودی در برابر زرادخانه این تنظیم ها به زانو درآمد. عده ای از افراد آن شمالی را ترک کرده و چند قوماندان مشهور آن به دولت مزدور پناه برده و با انداختن طوق ملیشه ای برگردن به ننگ تاریخی تن دادند." این پاراگراف سازمان انقلابی صرف یک خبر و واقعه نگاری است نه نقد مارکسیستی. زیرا سازمان انقلابی در مورد علل و عوامل این جنگ ها مهر سکوت بر زبان میکوبد و ذکر نمیکند که این جنگ ها چرا واقع شد و علت به زانو در آمدن ساما چه بود. آیا جنگ های ساما بر ضد حزب اسلامی و جمعیت اسلامی برحق و اصولی بوده و از مشی انقلابی و مارکسیستی صورت گرفته است یا از مشی انحرافی و اپورتونیستی؟ آیا ساما دچار مشی انحرافی گردیده است و یا مشی آن درست بوده است. به ادامه مینویسد: "ساما جزء سندی که در کنفرانس ۶۲ (منظورش ۱۳۶۲ هجری شمسی است) و با ادبیات نسبتاً چپ (یعنی چه؟! تأکید از ماست) نوشته شده بود هیچ سند دیگری که این سازمان را مارکسیستی نشان دهد و تشکیلات آنرا با اصول مارکسیزم رقم بزند ارائه نکرده است." سازمان انقلابی از عدم ارائه سند مارکسیستی ساما یاد آوری میکند

ولی ذکر نمیکند که وقتی ساما سندی که مارکیستی بودن آنرا نشان دهد ارائه نمیکند. پس ساما چه نوع سازمان است اگر مارکیستی نیست پس چه نوع سازمان است؟ بورژوازی است یا رویزیونیستی؟ به تعقیب آن می نویسد: "عده ای از کادرهای آن در لفظ چنین ادعائی داشتند و در نشست با سازمان های چپ اظهار ایدئولوژیک میکردند. اما ارگان مرکزی آن (جریده ندای آزادی) هیچ وقت چپ نوشت و با تأیید جمهوری اسلامی اداهای ملی را از یاد نبرد". این سخنان سازمان انقلابی بیشتر به افسانه امیر ارسلان میماند تا به نقد انقلابی. سازمان انقلابی از "اظهار ایدئولوژیک" صحبت میکند ولی ذکر نمیکند که کدام ایدئولوژی زیرا ایدئولوژی هم انقلابی است و هم بورژوازی. سازمان انقلابی با واژه پرانی "چپ نوشت" یعنی همیشه "راست نوشت" میخواهد چه چیز را ثابت نماید. نمیدانم شاید منظورش مثنی راست روانه و بورژوازی "ساما" باشد که در لفافه "چپ نوشت" بیان میشود همچنان از تأیید جمهوری اسلامی و اداهای ملی "ساما" یاد آور می شود ولی مثال نمیدهد که کدام اداهای ملی؟ سازمان انقلابی به جای نقد سریع و روشن از کنایه، استعاره و مجاز صحبت میکند. در حالیکه واقعیت این است که ساما با اعلام مواضع و تأیید جمهوری اسلامی صاف و پاک در منجلاب تسلیم طلبی و ایدئولوژی التقاطی جمهوری اسلامی فرورفت که نه سازمان انقلابی و نه سامای ادامه دهندگان با هزار من سرخی و سفید ه نمی توانند چهره کریه آن را زیبا و دلکش جلوه دهند. به تعقیب آن می نویسد: "بعد از شهادت قیوم رهبر و شهادت ۳۰ نفر از اعضا و کادرهای آن در سقوط طیاره و بعد با پناهنده شدن چند تن از فعالان دست اول آن در اروپا این سازمان دیگر وجود خارجی نداشت". سازمان انقلابی باز هم در این پاراگراف به داستان سرائی می پردازد و از کشته شدن رهبر و اعضای "ساما" یاد آور میشود و نام آن را نقد میگذارد. سازمان انقلابی عوض آنکه در مورد خط ایدئولوژیک و سیاسی "ساما" صحبت کند و آنرا مورد نقد قرار دهد، از آن طفره میرود و به شکل داستانی و میکانیکی از سقوط طیاره و پناهنده شدن چند تن از فعالان دست اول آن در اروپا صحبت میکند و از وجود خارجی آن انکار میکند. در حالیکه واقعیت این است که "ساما" قبل از کشته شدن رهبر فقید و سی تن از اعضایش در سقوط طیاره و پناهنده شدن چند تن از فعالان دست اول آن در اروپا با اعلام مواضع و تأیید جمهوری اسلامی به لجنزار اپورتونیزم و تسلیم طلبی فرورفته بود و دیگر به حیث یک سازمان انقلابی وجود خارجی نداشت. باتأسف که سازمان انقلابی ناوقت از خواب بیدار شده است. سازمان انقلابی از کشته شدن سی تن از اعضای ساما قلم فرسائی میکند ولی در مورد همکاری ساما با شورای نظار و سفر آن ها به طیاره که میخواستند در جشن جنبش ملی اسلامی رشید دوستم شرکت کنند مهر سکوت بر لب میکوبد و به صورت میکانیکی از آن عبور میکند نه این سفر را محکوم میکند و نه آن را مورد نقد قرار میدهد. به تعقیب آن مینویسد: "ساما که در ابتدا با تفکر مارکیستی شناخته شد و میخواست با تبارز ملی اسلامی کار دموکراتیک را سر پوشی برای کار سوسیالیستی قرار دهد با شرک در مبارزه مسلحانه آهسته آهسته چنان به عمل زدگی و انحلال در جنبش توده ها گرائید که نه در نوشته

های درونی و نه در ارگان مرکزی نشراتی اش نامی از چپ برد" سازمان انقلابی وقتی می نویسد که ساما" میخواست با تبارز ملی اسلامی کار دموکراتیک را سرپوشی برای کار سوسیالیستی قرار دهد" در این رابطه هیچ گونه توضیحی ارائه نمیکنند چگونه ساما میخواست با تبارز ملی اسلامی کار دموکراتیک را سرپوشی برای کار سوسیالیستی قرار میدهد. میدانم تبارز ملی اسلامی چه رابطه ای با کار دموکراتیک دارد. سازمان انقلابی اعلام مواضع جمهوری اسلامی سامارا که انحراف شدید ایدئولوژیکی و تسلیم طلبی ملی و طبقاتی است؛ تبارز ملی اسلامی کار دموکراتیک و سرپوشی برای کار سوسیالیستی جلوه میدهد و باز هم از این شاکی است که ساما نه در نوشته های درونی و نه در ارگان مرکزی نشراتی اش نامی از "چپ" برد. سازمان انقلابی فکر میکند که اگر ساما در نوشته هایش نامی از چپ به میان می آورد گویا سازمان کمونیستی میشد زهی حماقت و نادانی؟! بگذریم از اینکه امروز دیگر لفظ "چپ" مفهوم (م- ل- ا) ویا (م- ل- م) را ادعای نمیکند. بویژه که لفظ "چپ" توسط سازمان انقلابی به لژن کشیده شده و سازمان های اپور تونیستی، رویزیونیستی و ترنسکیستی سوسیالیست های کارگری و چپ رادیکال را به حیث سازمان های چپی افغانستان درکنگره دوم سازمان انقلابی نامنویسی کرده است. نوشته سازمان انقلابی بیشتر به یک گزارش و خبرنامه میماند تا به یک نقد مارکسیستی. زیرا سازمان انقلابی در هیچ جا مشی انحرافی و تسلیم طلبانه سامارا مورد نقد و انتقاد قرار نمیدهد و صرف یاد آور میشود که ساما در نوشته هایش نامی از "چپ" نبرده است. و صرف با واژه بازی اکتفا میکند. ساما به ادامه مینویسد: "بعد از سال ۱۳۶۲ هیچ گونه سندی مبنی بر اینکه سامارا یک سازمان کمونیستی تعریف نماید در دسترس جنبش قرار نگرفته است و به این خاطر بعد از شهادت مجید در مجموع سامارا نمیتوان یک سازمان کمونیستی دانست" سازمان انقلابی در این پاراگراف دچار تناقض گوئی میشود. از یک طرف میگوید که ساما بعد از سال ۱۳۶۲ هیچ گونه سندی مبنی بر اینکه سامارا یک سازمان کمونیستی تعرف نماید در دسترس جنبش قرار نگرفته است یعنی پیش از آن قرار گرفته است. از طرف دیگر میگوید که بعد از شهادت مجید در مجموع سامارا نمیتوان یک سازمان کمونیستی دانست. وقتی سازمان انقلابی را بعد از شهادت مجید نمیتوان یک سازمان کمونیستی دانست پس چه ضرورت به ارائه سند بعد از سال ۱۳۶۲ است که سازمان انقلابی در نبودن آن ماتم راه انداخته است. نقد سازمان انقلابی (بخوان خبرنامه یا گزارش) در مورد "ساما" فقط روی این نکته می چرخد که گویا ساما تا حال هیچگونه سندی مبنی بر کمونیستی بودنش ارائه نکرده است. سازمان انقلابی توضیح نمیدهد که در صورت که ساما یک سازمان کمونیستی نیست پس چگونه سازمان است. سازمان اسلامی است. سازمان بورژوازی است یا سازمان اپورتونیستی و رویزیونیستی است. سازمان انقلابی تسلیم طلبی ملی و طبقاتی سامارا نه محکوم میکند و نه آنرا مورد نقد کوبنده قرار میدهد صرف به شکل خبر دهی از عدم ارائه اسناد صحبت میکند و میخواهد در آینده با تهیه اسناد جعلی توسط "ساما" آن را برانگیزد. به ادامه مینویسد: "هیچ سندی که ساما طرحی برای تشکیل حزب پرولتری

داشته باشد به دست ما نرسیده است. ساما جمهوری اسلامی را زننده تر از سازمان رهایی پذیرفت و موضعگیری آن درندای آزادی کاملاً ناروشتن و با مشتکی از کلی گوئی های کسل کننده همراه بود "سازمان انقلابی باز هم به عوض اینکه اعلام مواضع و تسلیم طلبی ملی و طبقاتی سامارا مورد نقد قرار دهد از عدم ارائه سند برای تشکیل حزب و پذیرش جمهوری اسلامی به شکل گزارش یاد آوری میکند. اما هیچگاهی اعلام مواضع ساما و پذیرش جمهوری اسلامی سامارا به حیث یک عمل اپورتونیستی تسلیم طلبانه و انحرافی محکوم نکرده و مورد نقد سازنده قرار نمیدهد سازمان انقلابی به ادامه مینویسد: " ساما در مقابل جنگ سالاران خون ریز نه تنها موضع روشن نگرفت بلکه با نجیب، مسعود، دوستم و مخصوصاً اسمعیل خان همکاری کرد و به خاطر شرکت در جشن دوستم بهترین کادرهایش را از دست داد " در این پراگراف سازمان انقلابی باز هم به خبرنامه و گزارش دهی متصل میشود که گویا ساما با نجیب، مسعود، دوستم و اسماعیل خان همکاری نموده است. سازمان انقلابی این همکاری را نه محکوم میکند و نه آن را یک عمل تسلیم طلبانه، خائنانه و سازش کارانه معرفی میکند سازمان انقلابی فقط عملکرد دوستی سامارا گزارش میدهد. از دوستی اش با نجیب، مسعود، دوستم و اسماعیل خان یاد آوری میکند ولی این دوستی را نه محکوم میکند و نه آن را به نقد میکشد. از نقد سازمان انقلابی (بخوان خبرنامه و گزارش دهی) معلوم میشود که سازمان انقلابی تا هنوز بین گزارش و نقد مرز قایل نیست سازمان انقلابی به ادامه مینویسد: " بعضی از قوماندان های ساما افتخار رفتن به بیت شریف را نصیب شده نماز شان هرگز قضا نمی شود حاجی صاحب خطاب میگرددند و ظاهراً آنرا رنگ ملی و مردمی میدهند. این قوماندانان سرمایه اندوزی کرده در برابر نیروهای خارجی و حضور شان در کشور هیچ موضعی ندارند. اینکه حال ساما به عنوان یک سازمان واقعی وجود داشته باشد و پیکار نماید ما چیزی نمیدانیم. " در این پراگراف سازمان انقلابی بدون اینکه مشی انحرافی و تسلیم طلبانه سامارا مورد نقد قرار دهد از حاجی گری، ثروت اندوزی و عدم موضعگیری در برابر نیروهای خارجی ساما صحبت میکند. در حالیکه تمام انحرافات تسلیم طلبی، دوستی با نجیب، مسعود، دوستم، و اسماعیل خان و حاجی گری، ثروت اندوزی و پناهنده شدن فعالین آن در اروپا ناشی از مشی انحرافی و تسلیم طلبی "ساما" نهفته است که در اعلام مواضع عینیت پیدانموده است و سازمان انقلابی در مورد آن گنگه گی اختیار میکند تا مبادا مورد خشم و غضب ساما ادامه دهندگان قرار گیرد. خوانندگان عزیز این بود نقد پاسیفیستی حضرات سازمان انقلابی در مورد "ساما" که با تمام عملکرد خائنانه انحرافی و تسلیم طلبانه ساما یکبار هم کلمه تسلیم طلبی، اپورتونیستی و انحرافی را در مورد آنها بکار نمی برد و صرف به گزارش دهی در مورد آن اکتفا میکند. تا جائیکه از نوشته های سازمان انقلابی معلوم میشود. حضرات سازمان انقلابی یا بوئی از نقد نبرده اند و یا خود را به کوچه حسن چپ میزنند و گزارش صوری و میکانیکی شان را نقد جلوه میدهند. وای از آن روزی که پالان دوز خیاطی کند. میخواستم در این نوشته کورس اکابر نقد نویسی را برای حضرات سازمان انقلابی باز نمایم اما بنا بر دلیلی

از آن منصرف شدم. زیرا آنها نه تشنه آموزش هستند و نه توان آموختن را دارند و باصطلاح مردم پیش ... یاسین خواندن. در اخیر جادارد چند نکته در مورد نوشته م. تدبیر که تحت عنوان "نامه سرکشاده به احزاب و سازمان های (م-ل-م) ، (م-ل-ا) و (م-ل) و دیگر افراد انقلابی!" نگارش یافته است بنگارم. وقتی مصروف نوشتن بخش هفتم "نقدی بر مواضع اپورتونیستی سازمان انقلابی" بودم متوجه شدم که سازمان انقلابی در نوشته " دن کیشوت های مائو نیست بیماران روانی با لا طائلات مائو نیستی" در جاهای که از رفیق استالین نقل قول نموده است. عوض استالین واژه ستالین را به کار برده است. فکر میکنم کبیر توخی - س رها مداح یا مداحان سازمان انقلابی از روی بیسوادی و با تقلید از بی سوادی سازمان انقلابی " استالین" را، ستالین نوشته کرده اند.

پایان بخش هفتم

یکی از علاقمندان جریان دموکراتیک نوین (شعله جاوید)

پنجشنبه ۱ سنبله ۱۳۹۲